

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی - پژوهشی)

سال چهارم، شماره (۱۶)، زمستان ۱۳۹۴

روابط جمهوری اسلامی ایران با جنبش‌های مقاومت اسلامی فلسطین (با تأکید بر جنبش جهاد اسلامی)

سید احمد سادات *

چکیده

روابط جمهوری اسلامی ایران با جنبش‌های مقاومت اسلامی فلسطین و خصوصاً جنبش جهاد اسلامی بسیار حائز اهمیت است. از یک طرف گروه‌های فلسطینی با تمسک به اسلام سنی، دارای اختلافات عقیدتی با مذهب رسمی ایران می‌باشند و از طرف دیگر حمایت‌های همه‌جانبه ایران از جنبش‌های مذکور در زمینه‌های مختلف از جمله سیاسی و نظامی گسترده و پرهزینه بوده است. از ابتدای تشکیل نظام ج.ا.ایران و در قالب رویکرد حمایتی از انقلاب مردم فلسطین، مخالفت ایران با روند سازش، تصویب قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین، برگزاری کنفرانس‌های حمایت فلسطین و استفاده از ظرفیت ریاست بر سازمان کنفرانس اسلامی شکل گرفت در بعد روابط نظامی نیز از کمک‌های لجستیکی و تسلیحاتی ایران به گروه‌های مقاومت فلسطینی گرفته تا ارائه تکنولوژی ساخت موشک‌های فجر ۵ به جنبش جهاد اسلامی استمرار یافت. این پژوهش برای پاسخ به این سؤال انجام شده که چرا جمهوری اسلامی ایران رابطه با جنبش جهاد اسلامی فلسطین و مساعدت همه‌جانبه به این جنبش را مورد توجه ویژه قرار داده است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که گفت‌وگو مشترک جمهوری اسلامی ایران و جنبش جهاد اسلامی بر اساس محورهای «اسلام‌گرایی»، «صهیونیسم‌ستیزی» و «مقاومت» از جمله دلایل اصلی این روابط و حمایت‌های ایران از این جنبش است.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، جنبش جهاد اسلامی، روابط، فلسطین، گفت‌وگو، مقاومت.

* دکترای اندیشه سیاسی و مدرس دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۶/۸

ایمیل نویسنده: sadat4444@yahoo.com

۱. مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در شرایطی ظهور کرد که گفتمان‌های حاکم در منطقه غرب آسیا در حمایت از مسئله فلسطین ناکام مانده بودند. ویژگی تمام گفتمان‌هایی که از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۷۹ در منطقه خاورمیانه ایجاد شده بودند، شکاف در جهان اسلام و محروم‌سازی فلسطین از حمایت بخشی از امت اسلامی بود. زیرا با شکست عرب‌ها در جنگ‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ و ناتوانی گفتمان ناسیونالیسم، همچنین ناتوانی گفتمان سازش (که از اواخر دهه ۱۹۷۰ حاکم شد و در دهه‌های بعدی هم تداوم یافته بود)، منطقه به دو بلوک متضاد تقسیم شد. امضای قرارداد صلح اسرائیل و مصر، اسرائیل، اردن و سپس ساف و اسرائیل در سال‌های ۱۹۷۹، ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴، نشانه تقسیم خاورمیانه به دو بخش طرفدار سازش و مقاومت بود. این روند تا سال ۲۰۰۰ که مذاکرات کمپ دیوید ۲ برگزار شد و حتی کنفرانس آنابولیس در سال ۲۰۰۷ تداوم یافت.

برخلاف گفتمان‌های انشقاقی مذکور، انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ رخ داد و به خمودی و انحطاط تمدن اسلامی خاتمه داد و موجب بروز نوعی بیداری و احیای اسلامی بر پایه بازگشت به ایدئولوژی و مکتب اسلام شد. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران توانست گفتمان جدیدی را در عرصه داخلی و بین‌المللی به وجود آورد، به گونه‌ای که موضوع فلسطین در بین جریان‌های اسلام‌گرا اهمیت ویژه‌ای یافت و نگرش به موضوع فلسطین از مناقشه بین اعراب و اسرائیل فراتر رفته، عنصر اسلامیت آن بر سایر عناصر غلبه پیدا کرد. همچنین نحوه مبارزه با رژیم صهیونیستی دستخوش تغییرات اساسی شد. در واقع گفتمان اسلام‌گرایی ایران، نقش اساسی در ظهور نهضت‌ها و گرایش‌های تند و معتدل اسلامی در منطقه خاورمیانه داشته است. این گفتمان جدید به همراه «گفتمان مقاومت» در جهان اسلام و به ویژه منطقه غرب آسیا در عرصه عملیاتی در قالب «جبهه مقاومت» یا «محور مقاومت» تجلی یافت و گروه‌های مقاومت در قالب جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی و غیره در فلسطین اشغالی شکل گرفت. جنبش جهاد اسلامی که امروزه نقش مهمی در روند مبارزه با رژیم صهیونیستی دارد بیش از دیگر جنبش‌ها، «آموزه‌های اسلامی» را با گفتمان «جهاد و مقاومت» درآمیخت و از دیگر گروه‌های اسلام‌گرا متمایز شد؛ از این رو، جهاد اسلامی، هم‌پیمانی و هم‌سوئی با انقلاب اسلامی ایران در راه آزادسازی فلسطین و برپایی حکومت اسلامی در این سرزمین را یک اصل می‌داند. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران مهم منطقه‌ای با جنبش جهاد اسلامی (به عنوان یکی از عناصر مهم جبهه مقاومت) ارتباط نزدیکی دارد و مساعدت‌ها و حمایت‌های غیرعلنی و علنی آن خصوصاً در بعد تسلیحاتی و نظامی همواره مورد بحث دوست و دشمن بوده است، پرسش اساسی این پژوهش آن است که چرا جمهوری اسلامی ایران رابطه با جنبش جهاد اسلامی فلسطین و مساعدت همه‌جانبه به این جنبش را مورد توجه ویژه قرار داده است؟

بررسی‌ها نشان می‌دهد که گفتمان مشترک جمهوری اسلامی ایران و جنبش جهاد اسلامی بر اساس محورهای «اسلام‌گرایی»، «صهیونیسم‌ستیزی» و «مقاومت» از جمله دلایل اصلی این روابط و حمایت‌های ایران از این جنبش است. مقصود از روابط در این پژوهش، رابطه سیاسی و نظامی است و دوره زمانی آن نیز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. همچنین پیامدهای مثبت و منفی این روابط برای طرفین از جمله موضوعات مورد اهتمام ما در این پژوهش است. برای تبیین روابط به سخنان رهبران انقلاب اسلامی ایران و جنبش جهاد اسلامی فلسطین استناد شده است؛ همچنین سخنان مسئولان دولتی، بیانیه‌ها، مصاحبه‌ها و مواضع رسمی اعلامی از سوی طرفین مبنای این تحقیق بوده است.

۲. چهارچوب نظری

۲-۱- گفتمان

واژه گفتمان از واژه فرانسوی «Discourse» و لاتین «Discursus» به معنی گفتگو، محاوره، گفتار و از واژه «Discurrer» یا «Discursum» به معنای طفره رفتن، از سر باز کردن، تعلل ورزیدن و غیره گرفته شده است. فرهنگ انگلیسی آکسفورد، ذیل این واژه معانی متعددی ذکر کرده است که برخی از آن‌ها به این قرارند:

۱. معنای گفتمان در وجه اسمی: مسیر رو به رشد، جریان روند یا توالی زمان، حوادث، اعمال و غیره؛

۲. معنای گفتمان در وجه فعلی: دویدن، رفتن، حرکت کردن، پیمودن، طی کردن، گذشتن و از سر گذراندن. (بشیر، ۱۳۸۴: ۱۰-۹)

اصطلاح گفتمان، رویکردی ساختاری به متن است که امکانات اتصال متن به جنبه‌های جامعه‌شناختی را فراهم می‌کند. (فرقانی، ۱۳۸۲: ۶۲) این واژه که در سیر تکاملی خود به پیکره‌ای منسجم و معقول از گفتار و نوشتار نیز اطلاق شده، در زبان فارسی از ترکیب مصدر مرخم گفتن «گفت» و پسوند «مان» ساخته شده که در واقع با اضافه شدن پسوند «مان» به گفت، از یک سو «گفتن» از معنای عام و معمولی خود خارج و آماده پذیرش معنای خاصی شود و از سوی دیگر این ترکیب، خود به اسم ذات تبدیل می‌شود و با تبدیل شدن به اسم ذات به چیزی اطلاق می‌شود که تحقق خارجی دارد. (فرقانی، ۱۳۸۲: ۵۹ و ۶۰)

گفتمان از مفاهیم محوری است که در شکل دادن به اندیشه‌های فلسفی، اجتماعی و سیاسی غرب نقش کلیدی داشته است. (سلیمی نوه، ۱۳۸۳: ۵۰) از سوی دیگر، گفتمان را از پیچیده‌ترین و مبهم‌ترین مفاهیم عصر برشمرده‌اند، زیرا تکرر معنایی و ارجاعات مدلولی متفاوت از این واژه وجود دارد، تکرری که خود گواهی بر «بازی دال» هاست و اینکه دال گفتمان به

هیچ مدلول استعلایی ارجاع نمی‌دهد. تکثر و تفاوتی که منطبقه مشترکی نمی‌توان برای آن پیدا کرد. (صفری شالی، ۱۳۹۲: ۱۱) برخی گفتمان را شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن (یا فهم یکی از وجوه آن) می‌دانند. (یورگن سن و فیلیپ، ۱۳۸۹: ۱۸)

برخی گفتمان را ایدئولوژی دانسته‌اند و بین آن و قدرت و سلطه پیوند ایجاد می‌کنند. گفتمان به معنای ایدئولوژی در حوزه تبیین مسائل سیاسی و اجتماعی بسیار متداول بوده است. (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۵۴) اگرچه مفهوم گفتمان انواع رفتارهای سیاسی، اجتماعی و نهادها را در برمی‌گیرد، اما ایدئولوژی مجموعه‌ای از ایده‌ها است که کنش‌گر اجتماعی با توسل به آن رفتار خود را توجیه می‌کند، درواقع ایدئولوژی در قلمرو ایده‌ها و بازنمایی‌های ذهنی در تقابل با جهان مادی مثل تولید و اقتصاد و کنش عملی قرار می‌گیرد. (حاجی یوسفی، ۱۳۷۹: ۱۳۹)

از گفتمان معانی دیگر هم گفته شده است مثل عقیده عمومی، کردار اجتماعی، نظام ساخت، فکر غالب و غیره یکی از معانی قابل توجه، گفتمان به معنی روش است. در گفتمان به معنای روش نوعی از شیوه تحلیل در عرصه علوم اجتماعی مطرح می‌شود که تلاش می‌کند تا معانی نهفته و پنهان متن و زمینه متن را آشکار سازد. (بهرام‌پور، ۱۳۷۸: ۵۴)

۲-۲- گفتمان اسلام‌گرایی

به باور رهبران جنبش‌های اسلامی، علت زوال و انحطاط و عقب‌ماندگی جامعه اسلامی در فاصله گرفتن آن‌ها از اسلام اولیه است. درواقع، آن‌ها با عقلانی کردن زوال، آن را نه مقدر و نه تصادفی، بلکه نتیجه آن حوادث و تحولات دانستند که با پایان عصر طلایی اولیه گریبان‌گیر جامعه اسلامی شد و در این میان بازگشت به هویت اسلامی از جمله خواسته‌های اسلام‌گرایان بوده است. (امرای، ۱۳۸۳: ۱۰۵)

این نگاه ناکامی‌های جامعه اسلامی را ناشی از سرسپردگی به استعمار یا شیفتگی به ارزش‌های بیگانه و سرانجام خودباختگی زمامداران معرفی می‌کند. برآیند همه تلاش‌ها در عرصه گفتمان اسلام‌گرایی تا پایان جنگ جهانی اول این بود که اسلام منادی تمدن و پیشرفت درست به همان شکل اروپایی‌اش است و جز در زمینه سیاسی-نظامی، که نمود آن استعمار مسلمانان به وسیله اروپایی‌ها بود، مشکلی میان مسلمانان و غرب وجود ندارد. بنابراین هنگامی که غربی‌ها از سرزمین مسلمانان خارج شوند، خود مسلمانان تمدن غربی را با همه ابعادش پیاده خواهند کرد، زیرا این تمدن مقتضای اسلام و جوهر حقیقی آن است. (السید، ۱۳۸۳: ۱۷)

اسلام‌گرایان به سه شیوه عمده از ماهیت بین‌گفتمانی اسلام سخن می‌گویند؛ آن‌ها اسلام را به‌مثابه دین (اعتقاد) و دنیا (شیوه کامل زندگی) و دولت (یک نظم سیاسی) تعریف می‌کنند. طرح‌بندی اسلام‌گرایی از اسلام تنها یک طرح‌بندی مادی نیست، بلکه دیگر طرح‌بندی‌ها و تأثیرات ظهور اسلام را، در صورت‌بندی‌های گفتمانی دیگر، در بر می‌گیرد. (سعید، ۱۳۷۹: ۵۵)

ظهور اسلام‌گرایی به منزله یک مقوله سیاسی بیانگر ناتوانی روزافزون نظم کهن در دنیای اسلامی برای مقاومت در برابر درخواست‌های اجرای طرح‌های اسلامی بود. اسلام در ذات خود دینی سیاسی است، ولی در طی تاریخ و با توجه به تحولاتی که در جهان اسلام و نیز ارتباط آن با جهان خارج رویداد، زمینه‌ای فراهم آمد که گرایش‌های مختلف اسلامی بر ابعاد سیاسی اسلام دوباره تأکید ورزند و از ظرفیت سیاسی و بسیج‌گرانه اسلام، برای مواجهه با دشمنان و برای ایستادن در مقابل حاکمان مستبد و منحرف و همچنین برای مقابله با آنچه خود انحراف می‌شمردند، استفاده کنند. بدیهی است که این مجموعه گسترده، که زیر عنوان اسلام سیاسی قرار می‌گیرد، دربردارنده گرایش‌های متفاوتی است که از واقع‌گرایانه تا آرمان‌گرایانه، معتدل تا رادیکال و از حقیقت‌جو و حقیقت‌طلب تا انحرافی امتداد دارد. (مرشدی‌زاد و غفاری، ۱۳۸۶: ۱۲۸)

۲-۳- گفتمان‌های موجود در بین گروه‌های فلسطینی

در میان گفتمان‌های موجود در بین گروه‌های فلسطینی، دو جریان عمده با مختصات متمایز از یکدیگر قابل بررسی است. جریان انتفاضه و جریان استسلام، که جریان استسلام در دولت خودگردان تحقق یافته و جریان اصل‌گرا و آرمان‌طلب در انتفاضه نمود و بروز پیدا کرده است. جریان استسلام در روز ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ میلادی در باغ رُز کاخ سفید در برابر جهانیان اعلام موجودیت کرد و عرفات تصور می‌کرد می‌تواند با امتیاز دادن به اسرائیل حداقل بخشی از سرزمین فلسطینی را حفظ کند در چنین فضایی عرفات گفت: «مرحله فعلی یک مرحله انتقالی است که پرچم فلسطین بر فراز غزه ریحا به اهتزاز درمی‌آید و درنهایت در مآذنه قدس شرقی جایی است که ما و اسرائیلی‌ها در کنار یکدیگر زندگی خواهیم کرد. این نخستین بار است که یک دولت فلسطینی بر نقشه جغرافیا پدیدار شده است.» (ماریک هالتر واریک لوران، ۱۹۹۴: ۹-۱۰)

اما فلسطینی‌های آرمانی آزادی کشور خود را در پوشش رهبران کشورهای عربی پیگیری می‌کردند تا سال ۱۹۷۰ مهم‌ترین رویکرد برای پایان دادن به اشغال فلسطین ناسیونالیسم و پان ناسیونالیسم عربی بود، اما در آن مقطع نه تنها فلسطین آزاد نشد، بلکه بخش‌هایی از کشورهای عربی نیز مانند شبه‌جزیره سینا، بلندی‌های جولان به اشغال نیروهای صهیونیست درآمد به همین دلیل رهبران عرب به‌ویژه مصری‌ها آزادی سرزمین خود را به آزادی در سرزمین‌های فلسطینی ترجیح می‌دادند که این امر درنهایت به برخی قراردادهای سازش مانند کمپ دیوید منجر شد. همزمان با ناکامی رویکرد ناسیونالیستی فلسطینی‌ها، جریانات درونی جامعه فلسطینی به رویکرد مارکسیستی و چریکی روی آوردند در این رویکرد نیز که رگه‌هایی از گفتمان ناسیونالیسم عربی دیده می‌شد. این رویکرد نیز با شکست مواجه شد و درنهایت با مذاکرات

سازش در کنفرانس مادرید و قرارداد اسلو ختم شد. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و با ورود عنصر اسلام به صحنه مبارزات، گفتمان حاکم بر جامعه فلسطین متحول شد و این گفتمان در مقاومت مردمی به صورت انتفاضه تجلی یافت. با تغییر رویکرد سازش به مقاومت اسلامی که حماس نماینده آن بود، گفتمان مقاومت به سرعت به عنوان کنش‌گر تحولات فلسطین تبدیل شد و جامعه فلسطینی را به صورت یک موج خروشان در بر گرفت. (میکل اروینگ، ۱۳۹۱: ۲-۱)

۳. تاریخ روابط ایران و فلسطین

رابطه تاریخی میان ایران و فلسطین به اواخر قرن نوزدهم بازمی‌گردد؛ زمانی که در پی مهاجرت شمار زیادی از تجار ایرانی به فلسطین، دولت وقت ایران در سال ۱۸۹۷ م. (۱۲۷۶ش) در این منطقه یک دفتر نمایندگی برای رسیدگی به امور اقتصادی و تجاری بازرگانان ایران دایر کرد که در ادامه، دامنه فعالیت آن گسترش یافت و امور دیگری همچون یاری رساندن به کاروان‌های زائران ایرانی در فلسطین و امور فرهنگی و تهیه و تنظیم اطلاعات و گزارش‌های فرهنگی و دیگر فعالیت‌ها به آن اضافه شد. (ولایتی، ۱۹۹۷م: ۸۳)

در دوران احمدشاه [قاجار] تقریباً تمام رجال سیاسی ایران از جمله سردار سپه، رضا پهلوی، از فعالیت‌های صهیونیستی در ایران باخبر بودند و حتی در پاره‌ای از جشن‌های صهیونیستی شرکت می‌جستند. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۱: ۶۰) حبیب لوی - نویسنده یهودی - در خصوص نقش رضاخان، در شکوفایی، عظمت و آزادی این اقلیت می‌نویسد: «بدون تردید جلوس رضاشاه کبیر بر تخت سلطنت ایران یکی از واقعیات تاریخی مهم این کشور به شمار می‌رود. سلطنت این پادشاه بزرگ، انقلاب عظیمی در بهبود وضع آزادی و آسایش یهودیان ایران پدید آورد و اگر گفته شود که زمان رضاشاه کبیر برای یهودیان ایران نظیر زمان کوروش کبیر و عصر فرزند او محمدرضا شاه، نظیر عصر داریوش اول گردید، راه اغراق نیموده‌ایم. آزادی یهودیان ایران و اجرای اعلامیه بالفور که در زمان رضاشاه کبیر بود و اجتماع پراکندگان در عصر محمدرضا شاه، این دو نظر را تأیید و تقویت می‌کند...» (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۱: ۵۸-۵۷).

پس از رضاشاه، محمدرضا پهلوی توانست از طریق امضای توافق‌نامه‌های متعدد میان موساد و ساواک، تا حدودی در داخل ایران ثبات ایجاد کند. همکاری ایران و اسرائیل رو به افزایش بود و اسرائیل، رژیم شاه را به انواع سلاح‌ها مجهز کرد و روابط اقتصادی دو طرف در آن دوره نیز بسیار مهم و قابل توجه است. حکومت ایران در دوره محمدرضا پهلوی بزرگ‌ترین صادرکننده نفت به اسرائیل بود، و بیش از ۹۰ درصد از نیاز این رژیم به نفت را تأمین می‌کرد. در مقابل، اسرائیل هم به ایران محصولات صنعتی و اسلحه صادر می‌کرد. ایران در زمینه

طرح‌های کشاورزی و صنعتی، از جمله پروژه مجتمع کشت و صنعت قزوین، از کمک اسرائیل استفاده کرد و سرمایه‌داران اسرائیلی هم در برخی از بانک‌های چندملیتی و شرکت‌های تولیدی و خدماتی ایران سرمایه‌گذاری کردند. (ازغندی، ۱۳۷۶: ۴۱۸) بدین ترتیب ایران از زمان شکل‌گیری اسرائیل تا سرنوشتی حکومت محمدرضا شاه پهلوی، هم‌پیمان استراتژیک این رژیم به شمار می‌آمد. (حلیم، ۱۹۷۹ م: ۲۵۱ - ۲۵۷)

۴. گفتمان و رویکرد جمهوری اسلامی ایران

۴-۱. موضوع فلسطین در گفتمان ایران

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و این دگرگونی، تنها به تغییر نظام حاکم بر ایران از پادشاهی به جمهوری محدود نشد، بلکه تحولی انقلابی در سطح منطقه و جهان پدید آورد که مبنای این تحول بزرگ، در نوع نگرش به اسرائیل نهفته بود. جمهوری اسلامی ایران، نبرد با اسرائیل را یک پیکار عقیدتی و دینی می‌داند که هویت و جایگاه جهان اسلام در دنیا، به آن بستگی دارد و یک نبرد سیاسی، قومیتی یا جغرافیایی نیست که قابل چانه‌زنی و معامله باشد. اسلام‌گرایان، پیروزی انقلاب اسلامی ایران را واقعه‌ای تاریخی و نقطه عطفی در روند وقایع جهانی می‌دانند، زیرا از نگاه آنان، ایران وابسته به غرب و هم‌پیمان اسرائیل و امریکا، به کلی تغییر ماهیت داد و به جبهه جهانی مقاومت و ایستادگی در برابر استعمار پیوست. از این رو ایران اسلامی نوین، از لحظه نخست پیروزی انقلاب، بر مبنای نگرش جدید و برخلاف گذشته، همسو با منافع و مسائل جهان اسلام، با جدیت در مسیر تصحیح رویکردها و تعاریف و تشخیص دوست از دشمن تلاش کرده و از مبانی فرهنگی غرب که نتایج متفاوت با رویکرد امت اسلام پدید آورده بود، دوری گزیده است. (ابو شرخ، ۱۳۶۸) شیخ اسعد تمیمی، یکی از رهبران فلسطینی، در خصوص تأثیر معنوی اسلامی در جهان اسلام خصوصاً فلسطین می‌گوید: «تا زمان انقلاب ایران، اسلام از عرصه نبرد غایب بود، حتی در عرصه واژگان. مثلاً به جای جهاد از کلماتی همچون نضال و کفاح استفاده می‌شد... انقلاب ایران، واقعیت قدیمی، اسلام و راه حل جهاد... را به سرزمین فلسطین وارد کرد.» (کاظمی کره‌رودی، ۱۳۸۱: ۵۷)

جمهوری اسلامی ایران با در پیش گرفتن مسیری مستقل از شرق و غرب، موضوع فلسطین را جزء اولویت‌های خود قرارداد و همزمان با تعطیل کردن سفارت اسرائیل در تهران، به جای آن نخستین سفارت فلسطین در جهان را افتتاح کرد. جنبش‌های «حماس» و «جهاد اسلامی» و نیز مقاومت اسلامی لبنان هم پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با الهام از روح مقاومت برخاسته از اندیشه امام خمینی شکل گرفت. (فحص، ۱۹۷۹)

۴-۲. تجلیات گفتمان اسلام‌گرایی در قانون اساسی

قانون اساسی ایران که مبنا و اساس نظری و رفتاری، سیاست خارجی آن را تشکیل می‌دهد در موارد متعدد، دفاع و حمایت از مستضعفان و مسلمانان جهان را وظیفه جمهوری اسلامی ایران می‌داند. در اصل یازدهم آمده است: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی - اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد» یا اصل ۱۵۲ اعلام می‌کند: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری... دفاع از حقوق همه مسلمانان است.» همچنین اصل ۱۵۴ قانون اساسی با صراحت اعلام می‌کند که: «جمهوری اسلامی ایران در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبان مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه جهان حمایت می‌کند.» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸: ۲۸) این دیدگاه که ناشی از دیدگاه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران است، نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران، حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان را یک وظیفه و ارزش آرمانی تلقی می‌کند و در این راه، منافع آرمانی را بر منافع مادی ترجیح می‌دهد و در موارد بسیاری، رفتار سیاست خارجی ایران حاکی از آن است که بر اساس مواضع ایدئولوژیک و وظیفه دینی و اسلامی عمل کرده است و لذا، حمایت از مسلمان فلسطینی، نامشروع دانستن اسرائیل و مخالفت با روند ناعادلانه صلح و حمایت از انتفاضه از مصادیق بارز آن است. (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۲۰۴)

۴-۳. رویکرد خارجی انقلاب اسلامی ایران

با نگاهی به رویکرد خارجی انقلاب اسلامی ایران می‌توان سه اصل اساسی را در روند بینش و منش انقلابی آن مشاهده کرد:

نخست، تحقق وحدت اسلامی بر مبنای مشترکات و در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛ نه بر اساس وحدت مذهبی. (قانون اساسی ج. ا. ایران، ماده ۱۱)

دوم، یاری و همراهی با مستضعفان جهان در برابر مستکبران، بدون توجه به دین یا قومیت آنان. (قانون اساسی ج. ا. ایران، ماده ۱۵۴)

و سوم، قرار گرفتن قضیه آزادی فلسطین در رأس اولویت‌های جمهوری اسلامی ایران. بدین ترتیب، پیروزی انقلاب اسلامی، نقطه عطفی در تاریخ نبرد در خاورمیانه بود و علت اصلی این تحول، نابودی استراتژی «بن گوریون» بود که در دهه ۱۹۵۰، تصمیم داشت کشورهای عربی را از طریق کشورهای اسلامی غیرعربی - و به‌ویژه ترکیه و ایران - در تنگنا

قرار دهد و با آن‌ها معامله کند، اسرائیل در بدو پیدایش بر اساس دکترین پیرامونی بن گوریون، اولین نخست‌وزیر اسرائیل، بر این باور بود که باید با ترکیه، ایران و ایتوبی به نوعی اتحاد دست یابد تا بتواند منافع خود به‌ویژه امنیت اسرائیل در مقابل تهدیدات کشورهای عربی را حفظ نماید. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۶) و به همین دلیل رژیم اسرائیل از یک‌سو با شاه ایران؛ و از سوی دیگر (با کمک افسران بلندپایه ارتش) با حکومت لائیک ترکیه توافق‌نامه‌های راهبردی امضا کرد، اما پیروزی انقلاب اسلامی، معادلات را دگرگون کرد و همه نقشه‌های اسرائیل و امریکا را به باد داد، زیرا گفتمان و رویکرد جدید منطقه‌ای ایران، ریشه در اندیشه‌های حاکم بر انقلاب اسلامی و تفاوت اساسی با گفتمان و رویکرد مزبور قبل از پیروزی انقلاب دارد. با قاطعیت تمام می‌توان اذعان کرد که گفتمان پس از انقلاب دقیقاً با محورهای گفتمانی قبل از انقلاب نه تنها متفاوت است، بلکه در تضاد و تعارض است و در همان راستا منجر به رویکردی کاملاً متفاوت در سیاست خارجی ایران شد. تحول به وجود آمده در این راستا، بیش از هر چیز به دلیل حضور عامل «آموزه‌های دینی» است که در این زمینه موجب ایجاد تحول فرهنگی-دینی در سیاست خارجی پس از انقلاب شده است.

۴-۴. موضوع فلسطین در گفتمان امام خمینی

امام خمینی بنیان‌گذار انقلاب و رهبر نخستین سال‌های شکل‌گیری جمهوری اسلامی، از همان ابتدا حمایت خود را از موقعیت ملت فلسطین اعلام نموده تاکید داشتند که بایستی همه تلاش خود را برای حل مشکلات مسلمانان و یاری مجاهدان و گرسنگان و محرومان به کار بندیم. ایشان در پیامی (۱۷ خرداد ۱۳۴۶) به مناسبت جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل فتوای انقلابی خویش را مبنی بر حرمت هرگونه رابطه تجاری و سیاسی دولت‌های اسلامی با اسرائیل، و حرمت مصرف کالاهای اسرائیلی در جوامع اسلامی را صادر کرد. همچنین ایشان در گفتگویی با نماینده سازمان الفتخ فلسطین در ۱۹ مهر ۱۳۴۷ دیدگاه‌های خویش را درباره مسائل جهان اسلام و جهاد ملت فلسطین تشریح کردند و در همین مصاحبه بر وجوب اختصاص بخشی از وجوه شرعی زکات به مجاهدان فلسطینی فتوا دادند. (امام، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۹۹-۲۰۱؛ عزمی، ۱۹۷۹: ۸۹)

به‌هرحال، امام خمینی تنها راه‌حل، در رابطه با اسرائیل را جهاد اسلامی یعنی مبارزه مسلحانه تا ریشه‌کنی این رژیم می‌دانست و در هیچ برهه زمانی نیز این خط‌مشی امام خمینی (ره)، تغییری نیافت. در اینجا است که موضوع انتفاضه و تأثیر اندیشه‌های امام (ره) در این خصوص به میان می‌آید. از جمله مباحث اساسی انتفاضه، ریشه‌های فکری پیدایش آن است. مهم‌ترین عامل انتفاضه، اسلام و ایدئولوژی اسلامی است که این امر متأثر از خیزش اسلامی به رهبری امام خمینی بود. تأثیر انقلاب اسلامی به رهبری امام، در فلسطین قوی‌تر از هر مکان دیگری بود،

چراکه مسلمانان در فلسطین درحالی‌که تحت اشغال صهیونیست‌ها بودند، ناامیدتر و فروپاشیده‌تر از تمامی مسلمانان بودند. (پاشاپور، ۱۳۸۱: ۸۲-۸۵) در واقع امام خمینی با موضوع فلسطین به‌عنوان یک مسئله صرفاً اسلامی برخورد می‌کرد و با هشدار در مورد هرگونه سستی و اهمال، همگان را به انجام این فریضه مقدس فرامی‌خواند تا مبادا شکست دیگری بر مسلمین عارض شود. (رجبی، ۱۹۹۳م: ۲۹۲)

از نظر اسلام‌گرایان، امام خمینی در برپایی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه‌ای از اصول و مبانی را ارائه کرده که می‌توان از آن بهره گرفت و استفاده کرد. این اصول عبارت‌اند از:

۱. ملت‌ها باید تناقض داخلی با حکومت‌ها را حل و فصل کنند و به حداکثر هماهنگی برسند تا به‌کارگیری امکانات و نیروها بر ضد تهدیدات خارجی ممکن شود.

۲. اگر حکومت‌ها به خواسته‌های ملت‌ها توجه نکنند - که اغلب همچنین است - در این صورت ملت‌ها چاره‌ای ندارند جز اینکه ابتدا با حکومت داخلی به مبارزه برخیزند تا از تناقضات داخلی رها شوند و بتوانند به حل تناقض خارجی بپردازند.

۳. از لحاظ منطقی، عملی و موضوعی، تا زمانی که ملت‌ها در داخل گرفتار سرکوب و ظلم حکومت‌ها باشند، مقابله با خارج معنا ندارد و حل مشکل میان ملت‌ها و حکومت‌ها، بر رسیدگی به مشکل سیاسی با غرب و اسرائیل اولویت دارد، هرچند هنگام مبارزه با حکومت داخلی هم نباید خطر امریکا و اسرائیل از یاد مسلمانان برود؛ و فرقی ندارد که وضعیت حکومت‌ها را با تئوری «حاکم دست‌نشانده یا وابسته» تحلیل کنیم، یا تئوری مرکز و پیرامون؛ یا هر نظریه دیگر. (توفیق، ۱۴۲۳: ۱۰)

بر همین اساس است که می‌توان دریافت چرا رژیم‌های دیکتاتور و طرفدار غرب در منطقه همواره با نظام و اندیشه‌های معمار آن در تعارض بودند و همواره از صدور انقلاب به‌عنوان بزرگ‌ترین خطر از ناحیه ایران یاد می‌کردند و آن را دخالت در امور داخلی کشورهای خود تلقی می‌کردند، زیرا امام خمینی مکرر در مواضع و بیانات خویش، علاوه بر تأکید بر اتحاد و تمسک به اسلام و بازگشت به ارزش‌های اسلامی قیام علیه حکومت‌ها را در ممالک اسلامی یکی از مقدمات واجب برای نجات فلسطین می‌داند، زیرا حکومت‌های استبدادی به دلیل فقدان پایگاه داخلی، برای حفظ خود در برابر نارضایتی‌ها و مخالفت‌های داخلی نیاز به حمایت خارجی دارند و بدین‌سان میان استبداد و استعمار اتحاد به وجود می‌آید. و طبیعی است که مبارزه با استبداد داخلی (عدو قریب) مقدم بر مبارزه با استعمار خارجی (عدو بعید) است، زیرا مادامی‌که دشمن در خانه است، مبارزه در جبهه خارجی بی‌ثمر خواهد بود.

۴-۵. موضوع فلسطین در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای

پس از رحلت امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، همان نگرش و عملکرد را دنبال کردند ایشان در مقاطع مختلف با تأکید بر حمایت از مقاومت فلسطین گفتند: «ما هیچ‌گونه معامله و چانه‌زنی در موضوع فلسطین را نمی‌پذیریم و همواره تأکید کرده‌ایم که فلسطین، متعلق به فلسطینیان است... ما از مقاومت ملت فلسطین در داخل خاک فلسطین و مبارزه فلسطینیان آواره در نبرد با رژیم غاصب حمایت می‌کنیم و ملت‌های حامی این مقاومت را نیز مورد حمایت قرار می‌دهیم.» (فراهانی، بی‌تا: ۱۲۴) آیت‌الله خامنه‌ای طی سه دهه گذشته و به‌ویژه از سال ۱۳۶۸ که رهبری این انقلاب را عهده‌دار شدند به‌کرات موضع‌گیری کردند. ایشان در باب اهمیت مسئله فلسطین معتقدند: مهم‌ترین مسئله امروز، مسئله فلسطین است که در نیم‌قرن اخیر همواره مهم‌ترین مسئله جهان اسلام و شاید مهم‌ترین مسئله بشریت بوده است. اینجا سخن از محنت و آوارگی و مظلومیت یک ملت است؛ سخن از غصب یک کشور است؛ سخن از ایجاد غده سرطانی در قلب کشورهای اسلامی و در نقطه التقای شرق و غرب جهان اسلام به یکدیگر است؛ اینجا سخن از ظلم مستمری است که اکنون دو نسل بی‌دری از ملت مسلمان فلسطین را فراگرفته است. امروزه که قیام خونین اسلامی متکی به توده‌های مردم در سرزمین فلسطین، خطر واقعی و جدی را به اشغالگران بی‌وجدان و بیگانه از انسانیت و بی‌محابا از جنایت گوشزد می‌کند، شیوه‌های دشمن از همیشه پیچیده‌تر و هشداردهنده‌تر است و مسلمین در سراسر جهان باید مسئله را از همیشه جدی‌تر بگیرند و برای آن فکری و کاری بکنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰) ایشان حمایت از فلسطین، انتفاضه و مبارزه با صهیونیسم و حامیانش را از ارکان اصلی سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰).

۵. گفتمان و رویکرد جنبش جهاد اسلامی

۵-۱. موضوع فلسطین در گفتمان جنبش جهاد اسلامی

جنبش جهاد اسلامی فلسطین، سازمان سیاسی و نظامی فلسطینی است که هدف آن از میان بردن اسرائیل از طریق مبارزه مسلحانه و برپایی کشوری به نام فلسطین با حکومت اسلامی است. نخست فعالیت‌های سیاسی خود را از مساجد و بر مبنای اصول اسلامی آغاز کرد و در مراسم مذهبی، اعیاد و خطبه‌های نماز جمعه به ترویج دیدگاهش پرداخت. (ابوعمر، ۱۳۷۱: ۶۶-۶۷)

مواضع و گزینه‌های جنبش جهاد اسلامی برخاسته از آموزه‌های دینی و اسلامی بود که جهاد و مقاومت در جایی مثل فلسطین و برای دفع تجاوز را بر همه مسلمانان واجب عینی می‌داند.

همچنین آموزه‌های ملی نیز همه را به دفاع از وطن و حریم آن فرامی‌خواند. بر اساس مبانی این جنبش، به دلیل آنکه اشغال فلسطین با خشونت و ترور و به زور اسلحه انجام شده، در برابر آن جز به‌کارگیری زبان زور و جهاد مقدس، گزینه‌ای وجود ندارد. درعین حال جهاد و مقاومت در راستای ناکام گذاردن طرح‌های تسلیم و سازش و به‌کارگیری نیروهای امت در مسیر نبرد سرنوشت‌ساز در بیت‌المقدس، یک گزینه راهبردی است و جنبش جهاد اسلامی هم از طریق شاخه نظامی خود، در مسیر عملی کردن این روش گام نهاد و «در راه تبلور عینی ایدئولوژی و شعارهای جنبش، لحظه‌ای درنگ نکرد، چنانکه اجرای عملیات نظامی را از اوایل دهه ۱۹۸۰ آغاز کرد و این امر، جنبش جهاد را متمایز کرد و آن را اعتبار دینی و ملی بخشید.» (ندای قدس، ۲۰۱۴)

دکتر فتحی شقاقی، بنیان‌گذار جنبش جهاد اسلامی فلسطین، از شاگردان مکتب جهاد و مبارزه بود. او اندیشه اسلامی مبارزاتی داشت و عضو شاخه فلسطینی جماعت اخوان‌المسلین بود و از اعضای فعال و محوری اخوان‌المسلمین به شمار می‌آمد که دیگر اعضا، از اندیشه و دیدگاه‌های او الهام می‌گرفتند. اما فتحی شقاقی در بسیاری از مسائل از جمله قضیه فلسطین، نگرشی فراتر از دیدگاه اخوان‌المسلمین داشت، زیرا اخوانی‌ها موضوع فلسطین را یکی از مسائل جهان اسلام و همانند دیگر مسائل مورد توجه مسلمین می‌دانستند، درحالی‌که جنبش جهاد اسلامی «موضوع فلسطین را مسئله اصلی جنبش‌های مبارزاتی اسلامی، بلکه مسئله اصلی تمام امت اسلام می‌دانست» (الحیات، ۲۰۰۳).

جنبش جهاد اسلامی در زمان تأسیس، بر خصوصی بودن و استقلال ساختاری خود تأکید کرد و خود را «نه یک میانه و واسطه میان اسلام و ملی‌گرایی؛ بلکه چالشی برآمده از بی‌نشانی تا تاریخ؛ و از قرآن کریم تا فلسطین» توصیف کرد و این نکته را مورد تأکید قرار داد که این جنبش، یک انشعاب تشکیلاتی از جنبش دیگر یا برای شخص دیگر نیست، و این‌گونه نبوده که ده یا بیست فرهیخته از قشر متوسط دور هم جمع شوند تا حزبی بالادستی یا جبهه‌ای مردمی تشکیل دهند که از جنبش ملی‌گرایان عرب یا از رحم اخوان‌المسلمین و بقایای احزاب ملی‌گرا بیرون آمده باشد و اینکه آن‌ها از جنبش اخوان‌المسلمین هم بیرون نیامده‌اند، هرچند تجربه اسلامی معاصر، از مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری این جنبش بوده است (الحیات، ۲۰۰۳).

به نظر می‌رسد همه مسائل و دغدغه‌ها و اولویت‌های جنبش‌های اسلامی، چه در حوزه مسائل فکری و چه اجتماعی و چه سیاسی ناگزیر از ارتباط دائمی یا کوتاه‌مدت با مسئله محوری جهان اسلام، یعنی فلسطین هستند؛ مسئله‌ای که به معیار اسلامی بودن و مردمی بودن جنبش‌های اسلامی تبدیل شده است. (سید احمد، ۱۳۸۷: ۱۳۲)

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نخستین مرکز جهاد اسلامی فلسطین در نوار غزه فعال شد. ظهور امام خمینی (ره) بر روی روشن‌فکران فلسطینی مؤثر واقع شد و سبب

گردید که آن‌ها در جست‌وجوی راه‌هایی برای اعمال تعلیمات امام خمینی رحمه‌الله در صحنه فلسطین برآیند. (ابوطه، ۱۳۷۹: ۹۸-۸۰)

۵-۲- نگرش جنبش جهاد اسلامی به جمهوری اسلامی ایران

مرام جنبش جهاد اسلامی آمیزه‌ای از ملی‌گرایی فلسطینی، افکار و اندیشه‌های شخصیت‌هایی همچون حسن البنا و سید قطب و عزالدین قسام و همچنین آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران است. به باور این جنبش فهم تاریخ ما را به این نتیجه می‌رساند که فلسطین مرکز مقابله تاریخی - مذهبی میان مسلمانان و یهودیان است. (ساره، ۱۹۸۹: ۶۱-۶۰) بر همین اساس رهبران جنبش جهاد اسلامی احترام فراوانی برای انقلاب اسلامی ایران قائل بودند، که در آن زمان در جهان عرب و نهضت‌های اسلامی سنی مذهب بی‌سابقه بود. آن‌ها انقلاب ایران را الگویی برای جهان عرب معرفی کردند و اصول رهبری ولایت‌فقیه را هم، اگرچه اصول شیعی مذهب‌ها بود، پذیرفتند. دکتر فتحی شقاقی دبیر کل پیشین جنبش جهاد اسلامی در مارس ۱۹۷۹ در تحسین امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران، کتابی به نام «خمینی، راه‌حل و جایگزین اسلامی» نوشت. کتابی که مقامات مصری آن را تحریم و وی را سه ماه بازداشت کردند. (وفا، ۱۳۸۳: ۷۹) فتحی شقاقی یکی از نخستین کسانی بود که در جهان عرب، در قبال انقلاب ایران موضع مثبت اتخاذ کرد و با نام مستعار «عزالدین الفارس»، سلسله مقالاتی را در سال ۱۹۸۱ در مجله «المختار الاسلامی» منتشر کرد. (سید احمد، ۲۰۰۶م: ۹۹) شیخ عبدالعزیز عوده - از علما و خطبای معروف و بارز فلسطینی - در اظهارنظری پیرامون انقلاب اسلامی می‌گوید: «انقلاب خمینی مهم‌ترین و جدیدترین تلاش در بیدارسازی اسلامی برای اتحاد ملت‌های مسلمان بود. ... ایران تنها کشوری بود که واقعاً بر روی مسئله فلسطین متمرکز شد.» (کاظمی کره‌رودی، ۱۳۸۱: ۵۷)

پیروزی انقلاب ایران، تبلور عینی الگویی بود که دکتر فتحی شقاقی در کتاب خود «خمینی؛ راه‌حل اسلامی و جایگزین» به آن نوید داده بود. شقاقی، پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر رژیم شاه را پیش‌بینی کرده بود، زیرا این انقلاب را نماینده اسلام انقلابی و تجلی شیوه اسلامی جهاد می‌دانست که با اتکا بر یک تجربه فکری - سیاسی و کاملاً علمی؛ تمامی اندیشه‌های تکفیری رایج در آن دوره را پشت سر گذاشته و رد کرده بود. (شقاقی، ۱۹۷۹ م: ۵) دکتر شقاقی معتقد بود که «مطرح کردن اندیشه‌های جایگزین و شک و تردید نسبت به ایدئولوژی اسلامی و قدرت آن در حفظ انسجام امت، موضوع اصلی بحث و درگیری است که از قرن نوزدهم آغاز شده و تاکنون ادامه یافته است.» (ابراهیم، ۱۹۸۲: ۲۸) در ادامه این روند امام خمینی و انقلاب اسلامی او که مظهر روش و فکر ایشان بود، نمونه‌ای جدید از تمدن بشری ارائه کرد که «پایان کار اندیشه‌های لائیک و همه دیگر انواع اندیشه‌هایی را که می‌خواستند جایگزین اسلام شوند

اعلام کرد. «(شقاقي، ۱۹۷۹ م: ۲۸ - ۳۷) در واقع امام خميني در نظر وی «مظهر جريانی نو بود که اسلام را به‌عنوان یک ایدئولوژی مطرح می‌کرد تا از طریق برپایی حکومت اسلامی، همه ابعاد زندگی و مشکلات آن را حل و فصل کند». (عبدالله، ۱۹۹۷ م: ۲۶۶)

یکی از عوامل تأثیرگذار در جذب فتحي شقاقي به اندیشه‌های امام خميني منطق وحدت‌بخش اندیشه امام در گفت‌وگوي با امت اسلامی است. شقاقي در این باره می‌گوید: «انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب اسلامی به معنای وسیع قرآنی است... وجوه مشترک میان دو بال مسلمانان، تسنن و تشیع، پیکره این انقلاب را بر اساس خاستگاه‌ها، هدف‌ها، ابزارها و انگیزه‌های آن تشکیل می‌دهند.» (شقاقي، ۱۳۷۵: ۶۳)

از نظر فتحي شقاقي، انقلاب ایران مجموعه‌ای از نتایج را در بر داشت، که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

نخست، وحشت و هراس از قدرت و سلطه ابرقدرت‌ها را از ذهن مسلمانان و تمامی مستضعفان زدود.

دوم، الگویی جدید به بشریت ارائه کرد که در آن، اسلام بار دیگر در برابر تهدیدات غرب قد علم می‌کرد و غرب را در جایگاه اتهام قرار می‌داد. (عزالدین، ۲۰۰۴ م: ۹۳)

سوم، آغاز بیداری اسلامی در منطقه را موجب شد، و خونی تازه در رگ‌های اسلام انقلابی در منطقه بود تا پس از غیبت طولانی، بار دیگر به عرصه آید و نقش مطلوب خود در تحقق نهضت را بر عهده گیرد.

چهارم، انقلاب ایران، اسرائیل را به‌عنوان کانون و محور اصلی تهدید جهان اسلام از سوی غرب معرفی کرد (سید احمد، ۲۰۰۶ م: ۲۷۴) و بر این اساس، نابودی اسرائیل را خواستار شد و مبارزه مسلحانه فلسطینیان در برابر اسرائیل را مورد حمایت قرار داد. انقلاب اسلامی، ایرانیان را از بی‌طرفی و بی‌تفاوتی بر حذر داشت و آنان را به پرداخت وجوه شرعی به فلسطینیان و ضربه زدن به منافع امریکا و اسرائیل تشویق کرد و نیز آخرین جمعه ماه رمضان هر سال را روز جهانی قدس نامید. (دراج و باروت، بی‌تا: ۲۴۸)

پنجم، انقلاب اسلامی ایران و رهبر آن امام خمینی مسئله فلسطین را به‌عنوان مسئله اساسی مسلمانان مطرح؛ و تأکید کرد که در جهان اسلام هیچ قضیه‌ای مانند موضوع فلسطین دارای ابعاد جغرافیایی و منطقه‌ای گسترده نیست و فلسطین یک مسئله اسلامی با ابعاد قرآنی، تاریخی و حقیقی است. انقلاب ایران، با اعلام روز جهانی قدس این اندیشه را در عمل نیز مطرح کرد و دو شعار محوری بازگشت قدس به آغوش مسلمین و نابودی اسرائیل را مبنای عمل خویش قرار داد. (شقاقي، ۱۹۹۴) سخنگوی جهاد اسلامی فلسطین طی سخنانی در ملاقات با امام خمینی در آذرماه ۱۳۶۷ اظهار داشت: «انتفاضه اسلامی و مبارکی که در حال حاضر میهن اسلامی فلسطین شاهد و ناظر آن است، بارقه‌ای از نور و بازتابی از پیروزی‌های بزرگ انقلاب

شماست. انقلابی که بزرگ‌ترین تحول را در عصر ما به وجود آورد ... با ظهور انقلاب شما، ملت مسلمان و بزرگ ما فهمید که راهش راه جهاد و مبارزه است. ... پیروزی انقلاب اسلامی شما اولین گام در پایان دادن به کبریاپی بنی‌اسرائیل در جهان است.» (کاظمی کره‌رودی، ۱۳۸۱: ۵۶ - ۵۵)

همچنین دکتر رمضان عبدالله شلح - دبیر کل فعلی جنبش جهاد اسلامی - علاوه بر اینکه اصالت و مشروعیت روش انقلاب که آن را در حد تکلیف شرعی، قرار می‌دهد به اصالت و ریشه‌های تاریخی این انقلاب هم اعتقاد دارد و می‌گوید: «انقلاب اسلامی ایران، یک انقلاب منحصر به فرد و در تاریخ انقلاب‌های جهان، از همه ریشه‌دارتر است زیرا خط‌مشی الهی آن از زمان حرکت امام خمینی در دو دهه پیش از پیروزی آغاز نشد، بلکه آغاز آن برابر بود با زمان شهادت امام حسین (ع) در کربلا که چهارده قرن پیش اتفاق افتاد.» (عبدالله، ۱۹۸۱) از نگاه جنبش جهاد، پیروزی انقلاب اسلامی ایران به منزله نخستین گام در راه پیروزی مسلمانان بر ظلم و استبداد و محو رژیم اشغالگر صهیونیست از صحنه فلسطین بود و در جان فرزندان امت اسلام - به‌ویژه فلسطینیان که در سایه یأس و نومیدی طولانی گرفتار بودند - بارقه امید پدید آورد. (سید احمد، ۲۰۰۶م: ۱۰۳) دعوت امام خمینی مبنی بر تعیین آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به‌عنوان «روز جهانی قدس» با استقبال چشمگیر جنبش جهاد مواجه شد و جنبش، از زمان آغاز فعالیت خود در سرزمین‌های اشغالی، روز قدس را روز احیای اسلام و تعالیم اسلامی نامید، زیرا «قدس، میراث اسلام و مسلمین و بخشی از باورهای دینی آنان است و کسی حق ندارد نسبت به آن بی‌تفاوت باشد» (المجاهد، ۱۹۹۰م: ۲).

هرایر دکمچیان محقق مسیحی و استاد علوم سیاسی در کتاب معروف خود می‌نویسد: «جهاد اسلامی که در محلات پرجمعیت و فقیرنشین غزه تولد یافته بود، در استفاده از خشونت و آمادگی برای شهادت به خاطر دست یافتن به یک نظام اسلامی، از تعالیم آیت‌الله خمینی و سازمان جهاد مصر پیروی می‌کرد.» (هرایر، ۱۳۷۷: ۳۵۴)

۶. رویکرد حمایتی جمهوری اسلامی ایران از جنبش‌های مقاومت فلسطین و جنبش جهاد اسلامی

۶-۱. روابط دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران با جنبش‌های مقاومت فلسطین و جنبش جهاد اسلامی

مبنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در کلیه زمینه‌ها به‌ویژه در خصوص قضیه فلسطین ملهم از اندیشه‌ها و مواضع امام خمینی بوده است. نگاهی عمیق به دیدگاه‌های امام که انقلاب اسلامی با تکیه بر اندیشه‌ها و استراتژی ایشان به وقوع پیوست حاکی از وجود رهیافت‌هایی نظیر عدم سازش با ابرقدرت‌ها، مبارزه دائمی با غاصبان حقوق مسلمانان و

مظلومان به‌ویژه فلسطینی‌ها است (یوسف‌نژاد، ۱۳۸۴ : ۲۹). از ابتدای شکل‌گیری نهضت امام خمینی موضوع فلسطین از محوری‌ترین موضوعات در اندیشه ایشان بوده است. به شکلی که پس از پیروزی انقلاب، فلسطین به‌عنوان مهم‌ترین مسئله جهان اسلام، در زمره اولویت‌های مهم سیاست خارجی ایران قرار گرفت. در واقع امر می‌توان پیروزی انقلاب اسلامی ایران را طلیعه امید مردم فلسطین برای ادامه مبارزات جهت نیل به حقوق پایمال شده دانست. نظام جمهوری اسلامی ایران به موجب رهنمود قانون اساسی و بر اساس رویکرد دینی و تفکرات امام خمینی، در دفاع از مردم مسلمان تحت ستم جهان، به‌ویژه مردم فلسطین خود را مصمم به حمایت‌های انسان‌دوستانه از آن‌ها کرده است. این حمایت‌ها از بدو پیروزی انقلاب اسلامی به انحای مختلف از منظر سیاسی، اقتصادی و معنوی در همه سطوح ارکان نظام اعم از مردم، دولت، مجلس و رهبری صورت گرفته و تاکنون تردیدی در اراده سیاسی و حرکت انسان‌دوستانه خود نداشته است (یوسف‌نژاد، ۱۳۸۴ : ۳۱).

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و اعلام حمایت از ملل مسلمان و مستضعف جهان و نیز حرکت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش به‌عنوان یکی از سیاست‌های مهم و اصولی ایران در سیاست خارجی، مسئله حمایت از مردم فلسطین و مبارزه جدی و مستمر علیه صهیونیسم از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در میان مردم دولتمردان نظام جمهوری اسلامی برخوردار شد و بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران و رژیم صهیونیستی قطع شد و سفارت سابق این رژیم در اختیار فلسطینی‌ها (سازمان آزادی‌بخش فلسطین) قرار گرفت. (مجرد، ۱۳۸۶: ۱۲۹)

گرچه اتخاذ این سیاست جدید توسط ایران با توجه به مسائل ژئوپلیتیک غیرقابل‌سنجش می‌نمود و بنابراین در قالب پارادایم‌های خردگرایی قابل‌تحلیل نبود. (آقایی و رسولی، ۱۳۸۸: ۲)

به‌طورکلی تحول در سیاست خارجی ایران نسبت به اسرائیل را می‌توان در موارد زیر ذکر کرد:
 ۱. حمایت از گروه‌های فلسطینی؛ ۲. مخالفت با صلح خاورمیانه؛ ۳. حمایت از حزب‌الله لبنان؛
 ۴. برگزاری کنفرانس‌های حمایت از انتفاضه و انقلاب مردم فلسطین. (آقایی و رسولی، ۱۳۸۸: ۱۰)

از سوی دیگر در راستای ایجاد ساختار مناسب در دستگاه‌های اجرایی کشور، قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین مشتمل بر هشت ماده و یک تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه نوزدهم اردیبهشت‌ماه یک هزار و سیصد و شصت‌ونهم مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۹/۲/۱۹ به تأیید شورای نگهبان نیز رسید. بر اساس این قانون جمهوری اسلامی ایران لازم است از مردم ستم‌دیده و آواره و مبارز فلسطین تا سیده به حقوق حقه خویش به هر نحو ممکن حمایت و دفاع نمایند. (قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم

فلسطین، ۱۳۶۹: ماده ۱) همچنین بر اساس این قانون، جمهوری اسلامی ایران بیت المقدس را به عنوان موطن و مرکز دولت اسلامی در تبعید فلسطین به رسمیت می شناسد و از تمام کشورهای اسلامی تقاضا دارد این شهر را به عنوان مرکز دولت اسلامی در تبعید فلسطین به رسمیت بشناسند. (قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین، ۱۳۶۹: ماده ۷)

از دیگر اقدامات جمهوری اسلامی در حمایت از موضوع فلسطین، اعلام آخرین روز جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز قدس از سوی امام خمینی بود. این اقدام که تنها شش ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفت جایگاه ویژه‌ای در میان مسلمانان جهان پیدا کرد و هر سال مسلمانان سراسر جهان در روز جهانی قدس دست به راهپیمایی اعتراض آمیز علیه رژیم اشغالگر قدس زده و از مبارزات مردم فلسطین اعلام حمایت می کند. افزون بر این احیای مراسم برائت از مشرکین توسط امام خمینی در حج ابراهیمی و ابراز انزجار مسلمانان از اقدامات ضد حقوق بشری اسرائیل در سرزمین های اشغالی موجی از خشم و تفر و وحشت را در میان سران رژیم صهیونیستی در قبال انقلاب اسلامی به دنبال داشته است. چنانچه اسحاق رابین نخست وزیر اسبق اسرائیل، خطر انقلاب اسلامی را گوشزد کرده و می گوید: «ایران بزرگ ترین و خطرناک ترین دشمن اسرائیل محسوب می شود. دشمنی ایران پس از انقلاب اسلامی به رهبری آیت الله خمینی به صورت یک دشمن ایدئولوژیک و دشمنی واقعی درآمده و خطر افکار تندرو و مذهبی در ایران از هر خطری برای اسرائیل بیشتر است.» (امیدوار و یکتا، ۱۳۷۹: ۳۲۲)

با اعلام روز قدس سراسر جهان آشکارا فهمید که انقلاب ایران به آنچه در داخل کرده بسنده نمی کند و صریحاً موضع رهایی بخش خود را متوجه نجات مستضعفان عالم می کند. (حشمت زاده، ۱۳۸۵: ۳۱)

جمهوری اسلامی ایران بعد از اعلام روز جهانی قدس در شهریور ۱۳۵۹ کنفرانس بزرگداشت روز قدس را نیز برگزار کرد. در این کنفرانس مجموعاً ۱۹ هیئت نمایندگی از مبارزان کشورهای مختلف شرکت داشته اند و به مدت سه روز برای کشف راه حل ها و مراحل اقدام به بحث و تبادل نظر پرداخته اند. دستور کار کنگره از دو محتوا برخوردار بود: نخست طرح ها و برنامه های مختلف آزادی قدس و فلسطین و روش های سودمندی که مجموعاً ترکیب و تجمیع کل مسلمین را با برادران فلسطینی در بند آزادی بخشی تشریح و تفسیر کند مورد تفحص قرار می داد. ثانیاً مسئله نحوه رشد و ارتقای فرهنگ اسلامی و نزدیکی ملل مسلمان و مکتبی کردن مبارزه (چه در سرزمین فلسطین و چه در دیگر کشورهای اسلامی) که به عنوان مقدمه ای برای آزادی نهایی در این کنگره به رسمیت شناخته شده بود مورد بررسی همگانی قرار می داد. (پیام انقلاب، ۱۳۵۹: ۶)

از تبعات اقدام جمهوری اسلامی ایران در به رسمیت نشناختن اسرائیل، اخراج مستشاران اسرائیلی از ایران و تحریم فروش اموال مسلمین به آن‌هاست.

اما عملکرد دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در حمایت از مبارزه مردم فلسطین و مواجهه با سیاست‌های رژیم صهیونیستی را می‌توان به صورت زیر توصیف کرد:

الف) وزارت امور خارجه ایران با اعلام مواضع صریح خود، همواره سیاست‌ها و اقدامات امریکا و کشورهای اروپایی در حمایت از رژیم صهیونیستی در همه ابعاد را که موجب تشویق آن رژیم شده، محکوم کرده و انزجار خود را از آن دولت به طور مستمر اعلام کرده است.

ب) در راستای اقدامات عملی برای ایجاد وحدت در بین گروه‌های فلسطینی و جهان اسلام، وزارت امور خارجه ایران، با استفاده از امکانات موجود (به‌ویژه در دوره سه‌ساله ریاست خود بر سازمان کنفرانس اسلامی) از هیچ کوششی در حمایت از انتفاضه و اجرایی کردن مصوبات این سازمان در جذب کمک‌های مالی مردمی و تأسیس صندوق حمایت از مردم فلسطین دریغ نورزیده است.

ج) برگزاری هر چه باشکوه‌تر روز جهانی قدس در ایران و سایر کشورهای اسلامی نمونه‌ای از تقید کامل نسبت به قضیه فلسطین و محکومیت قاطعانه اسرائیل اصرار کرده است.

د) مخالفت با روند سازش، تبیین دیدگاه توسعه‌طلبانه اسرائیل به‌عنوان تهدیدی بزرگ برای ثبات و امنیت منطقه، محکومیت عملیات سرکوب‌گرانه اسرائیل، حمایت از انتفاضه در مقاطع مختلف و همدردی با مردم فلسطین در مبارزه مشروع آن، تأکید بر لزوم بازگشت آوارگان، حمایت از تشکیل دولت مستقل فلسطینی به پایتختی بیت‌المقدس و مشارکت همه ساکنان اصلی فلسطین در حق تعیین سرنوشت از مواضع اساسی سیاست خارجی ایران بوده است.

۶-۲. مساعدت‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران به جنبش‌های مقاومت فلسطین و جنبش جهاد اسلامی

روابط جمهوری اسلامی ایران با گروه‌های مقاومت فلسطین علاوه بر ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در عرصه نظامی نیز تجلی یافت، اما این امر به صورت علنی توسط مسئولان نظام در ایران و یا رهبران جنبش جهاد اسلامی مطرح نمی‌شد تا اینکه پس از پیروزی جنبش‌های جهادی در جنگ ۸ روزه و ۵۰ روزه مسئولان ایرانی و جنبش جهاد اسلامی در این خصوص به شکل علنی به اظهار نظر پرداختند. سرلشکر محمدعلی جعفری فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گفتگو با شبکه خبری العالم اعلام کرد که ایران تکنولوژی ساخت موشک‌های فجر ۵ و دیگر موشک‌ها را به گروه‌های فلسطینی غزه ارائه کرده است. وی تأکید کرد که ایران هر آنچه از تجربه و فناوری در اختیار دارد، به ملت‌های مظلوم خواهد داد و اکنون موشک‌های فجر ۵ در غزه تولید می‌شود. (العالم، ۲۰۱۲)

همچنین علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی با اعلام اینکه جمهوری اسلامی ایران به فلسطینیان سلاح می‌دهد، تأکید کرد که مقاومت فلسطین با سلاح‌های ایران توانسته رژیم اشغالگر را سر جای خود بنشانند. لاریجانی در سخنانی در جمع دانشجویان دانشگاه قائد اعظم در پایتخت پاکستان افزود: ما از حزب‌الله و حماس حمایت می‌کنیم زیرا ملت مسلمان فلسطین، مظلوم واقع شده است... ما حمایت خود از فلسطین را پنهان نمی‌کنیم، برخلاف آن‌ها که به سوریه سلاح می‌فرستند و وقتی از آن‌ها می‌پرسی، انکار می‌کنند. لاریجانی می‌افزاید: رژیم اسرائیل یک غده سرطانی است و ما به ملت فلسطین همه نوع کمک، حتی کمک‌های تسلیحاتی ارائه می‌کنیم و در جنگ ۸ روزه، اهالی غزه با همین کمک‌ها توانستند از خود دفاع کنند و رژیم اسرائیل را سر جای خود بنشانند. (العالم، ۲۰۱۳)

از سوی دیگر رمضان عبدالله، دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین، هم در دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای اعلام می‌کند که یقیناً پیروزی مردم غزه در جنگ ۵۱ روزه در سایه حمایت‌های جمهوری اسلامی حاصل شده و اگر کمک‌های مؤثر و راهبردی ایران نبود، امکان مقاومت و پیروزی در غزه فراهم نمی‌شد. (وبگاه دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳) وی در گفتگو با شبکه الجزیره قطر هم تأکید می‌کند که سلاح مقاومت فلسطین در غزه، کاملاً ایرانی است، یعنی یا ساخت ایران است و یا مقاومت با کمک ایران آن را به دست آورده است. وی از اعراب هم خواست که به مقاومت سلاح بدهند و زرادخانه‌های خود را پیش از آنکه زنگار بگیرد، به روی مقاومت بکشایند. به گفته وی مقاومت فلسطین می‌تواند چندین برابر آنچه تاکنون انجام داده، محقق سازد و اسرائیل باید بداند که دوره عربده کشیدن این رژیم برای همیشه به سر آمده است و دوره‌ای که در آن اسرائیل پایتخت‌های عربی مانند خارطوم را بمباران می‌کرد و فلسطینیان و لبنانیان را می‌کشت و از پیگرد و مجازات مصونیت داشت، به پایان رسیده و اکنون مقاومت فلسطین به نمایندگی از ملت‌های انقلابی عرب، تل‌آویو را با موشک هدف قرار می‌دهد. (الجزیره، ۲۰۱۰)

«زیاد نخاله» معاون دبیر کل جنبش جهاد اسلامی هم تصریح کرد: «ما اکنون موشک‌های فجر ۳ و ۵ در اختیار داریم و همین موشک‌ها بود که کرامت را به ملت فلسطین بازگرداند. وی تأکید کرد که این سلاح‌ها از سوی هم‌پیمانان ما در جمهوری اسلامی ایران به ما رسیده و آنان با گشاده‌دستی و تلاش بسیار این سلاح‌ها را به ما رساندند و معادلات نبرد را دگرگون کردند. این سلاح‌های ارزشمند، کارایی خود را در نبرد نشان داد و نقش مؤثری داشت و معادلات قدرت را تغییر داد و به اسرائیلی‌ها ثابت کرد که می‌توانیم شهرها و پادگان‌های آن‌ها را گلوله‌باران کنیم، همچنان که آن‌ها کودکان ما را در بمباران‌ها می‌کشند.» (العالم، ۲۰۱۲)

شکیب العینا از رهبران جهاد اسلامی نیز اذعان می‌کند که ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، حمایت از مقاومت فلسطین را جزء اولویت‌های خود قرار داده، زیرا حمایت از جهاد و

مجاهدان جبهه مقابله با دشمنان امت اسلام را واجب شرعی می‌داند. ایران در حمایت همه‌جانبه از ملت فلسطین، از هیچ اقدامی فروگذار نکرده است. به گفته العینا حمایت ایران از مقاومت، در تقویت نیروی بازدارنده رژیم اسرائیل و ایجاد پیروزی در برابر آن نقش داشته و مقاومت از تجربه ایران در همه زمین‌ها از جمله عرصه نظامی و ساخت موشک استفاده خواهد کرد. العینا با انتقاد از برخی کشورهای عربی که استفاده مقاومت فلسطین از تجربیات و حمایت‌های ایران را بر نمی‌تابند، از آنان می‌پرسد: چرا شما از ملت فلسطین و مقاومت حمایت نمی‌کنید؟ سلاح‌هایتان کجاست؟ آیا به این ملت دست‌خالی کمک کردید و ما نپذیرفتیم؟.. اما ایران بدون تعارف و ترس و بدون پنهان‌کاری از ما حمایت می‌کند. العینا معتقد است کمک‌ها و حمایت‌های ایران از مقاومت را در واقع اعراب باید انجام می‌دادند، اما از این کار ناتوان بودند یا اینکه به گرداب سازش وارد شدند و مقاومت، چاره‌ای جز استفاده از توان ایران نداشت و هر کس این کار را سرزنش کند، در واقع خود را سرزنش کرده و واقعیتی به نام ضعف و ناتوانی در برابر دشمن صهیونیست را آشکار ساخته است. آیا عاقلانه است که مقاومت دست روی دست بگذارد و مردم فلسطین کشته شوند که مبدا اعراب از مواضع ایران برنجدند؟! (العالم، ۲۰۱۲)

«خالد البطش» از رهبران جنبش جهاد اسلامی فلسطین تحولات به وجود آمده در عملکرد جنبش‌های مقاومت که به نیابت از ملت فلسطین و به وسیله گردان‌های «قدس»، گردان‌های «عزالدین قسام» و گردان‌های «ابوعلی مصطفی» صورت می‌گیرد را تحولی شگرف و تجربه‌ای متفاوت با جنگ‌های گذشته می‌نامد و می‌گوید ما ملتی تحت اشغال هستیم و حق داریم که در جست‌وجوی منابع قدرت باشیم و منابع قدرت را نزد برخی از برادران یافتیم که به ما کمک کردند و آشکارا می‌گوئیم که پیشاپیش همه این برادران، جمهوری اسلامی ایران قرار داشت. وی تأکید می‌کند که مقاومت، طی چندین سال صبوری، کار و آموزش واحدهای نظامی خود توانست به این سطح از فناوری برسد و آن را منتقل کند و مورد آزمایش قرار دهد تا جایی که اکنون این فناوری به واقعیتی انکارناپذیر تبدیل شده است که در میدان‌های جنگ آزموده می‌شود و کارایی خود را در مقابله با تجاوزهای دشمن اشغالگر صهیونیست به اثبات می‌رساند. (العالم، ۱۳۹۳)

۳-۶. پیامدهای روابط

کمک‌های همه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران به جنبش جهاد اسلامی فلسطین و موضع‌گیری زود هنگام این جنبش در تأیید انقلاب ایران اثرات گوناگون داشت. از یک‌سو، مجموعه تشکیلاتی اولیه جنبش (با نام طلیعه نهضت اسلامی در مصر) مورد تعقیب و اذیت و آزار قرار گرفته و گروهی از اعضای آن توسط تشکیلات امنیتی مصر ترور شدند. این امر موجب تسریع در روند سازمان‌دهی جنبش جهاد و جدایی کامل آن از سازمان اخوان فلسطین شد و

این جدایی منجر به درگیری‌های حزبی، فکری و سیاسی شد که تا آغاز نهضت انتفاضه فلسطین ادامه یافت. همچنین این جنبش به تشیع و وابستگی به ایران متهم شد. علاوه بر این جمهوری اسلامی ایران نیز از طرف رژیم صهیونیستی، ایالات متحده و کشورهای اروپایی به حمایت از تروریسم، سنگ اندازی در روند سازش و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای متهم شد.

۳-۶-۱. اتهام‌زنی به جنبش جهاد به خاطر رابطه ایران

جنبش جهاد اسلامی در ابتدای تأسیس، با برخورداری از شور انقلابی و نیروی عظیم، توانست اقدامات مؤثری انجام دهد که از ابعاد و تجربیات انقلابی این جنبش نویا فراتر بود و در زمان انتفاضه اول، این جنبش را در عرصه فلسطین به جایگاهی بسیار بالاتر از امکانات و توانایی‌های آن رساند (مصطفی، ۱۹۹۸م: ۸۶) به گونه‌ای که برخی معتقد بودند جنبش جهاد بیش از آنکه حرف بزند، عمل می‌کند. (برغوثی، ۱۹۹۰م: ۷۱) اما طولی نکشید که با پایان گرفتن انتفاضه اول این شور و حماسه رو به سستی نهاد و فعالیت جنبش جهاد نسبت به گذشته محدودتر شد. این عقب‌نشینی و محدود شدن پایگاه مردمی جنبش، چندین علت داشت:

۳-۶-۲. متهم شدن جنبش به تشیع

یکی از مهم‌ترین موانع گسترش دامنه فعالیت جنبش در میان مردم، متهم شدن آن به تشیع بود که نتیجه ورود این جنبش به عرصه نبرد فکری با تشکلهای سنی سلفی بود؛ همان‌ها که انقلاب ایران را به داشتن رویکردهای مذهبی و طایفه‌ای متهم می‌کردند. جنبش جهاد معتقد بود که هدف از نشر این افکار، ایجاد فتنه میان شیعه و سنی است تا موج خیزش و انقلاب را که مناطق سنی‌نشین کشورهای عربی خلیج فارس یا کشورهای همسایه اسرائیل را فرا گرفته بود، فروبشانند و به جای خدمت به مصالح امت، به منافع استعمارگران خدمت کند. (ابراهیم، ۱۹۸۳) این مناقشه در ادامه به موضوع مسلمان بودن یا مسلمان نبودن شیعیان منتهی شد، زیرا شیعیان معتقد به عصمت امامان هستند، از این رو متهم شدن جنبش جهاد به تشیع، آن‌هم در جامعه سنی مذهب و مخالف با تشیع که شیعیان را گروهی خارج از دین یا کافر و فاسق می‌پنداشت، موجب شده بود که اگر کسی خیال پیوستن به این جنبش یا همکاری و همراهی با آن را داشت، پیش از اقدام به این کار بارها به تردید و شک بیفتد و همین امر از گسترش حوزه فعالیت جنبش در میان مردم جلوگیری می‌کرد.

۳-۶-۳. اتهام وابستگی به ایران

پس از اتهام عقیدتی و متهم شدن به تشیع، نوبت به تهمت‌های سیاسی رسید و عده‌ای جنبش جهاد را وابسته به حکومت ایران و مورد حمایت مالی ایران دانستند. از این رو رهبران این جنبش در سخنان خود بارها بر مستقل بودن این جنبش از همه کشورها و گروه‌ها - از جمله

ایران - و عدم دریافت کمک مالی از آنان تأکید کرده‌اند (شقاقی، ۱۹۹۳). و این جنبش را «سنی‌مذهب و تجسم اسلام اصیل» دانستند. (سید احمد، ۲۰۰۶م: ۱۱۵) نزدیکی جنبش جهاد به ایران، به‌ویژه در جریان جنگ عراق با ایران، باعث شده است که کشورها و گروه‌ها و جنبش‌های مخالف ایران، از جمله در عراق و عربستان سعودی، جنبش جهاد اسلامی را منزوی کنند. (فراستی، ۱۳۸۱: ۶۹)

این اتهام سیاسی که در کنار اتهام عقیدتی پیشین مطرح شد، استقلال این جنبش را مخدوش کرد و پایگاه مردمی آن در میان فلسطینیان و روابط آن با دولت‌ها و ملت‌های عرب همسایه را هم تحت تأثیر قرار داد. موشه یعلون، وزیر جنگ اسرائیل، تأکید می‌کند که امروز تنها حماس نیست که رو در روی ما قرار دارد بلکه جنبش جهاد اسلامی فلسطین نیز بازیگری تأثیرگذار در صحنه فلسطین است که می‌توان به جرئت گفت بازوی ایران در فلسطین محسوب می‌شود. (نداء القدس، ۲۰۱۴)

۶-۳-۴. اتهام‌زنی به جمهوری اسلامی ایران به خاطر رابطه با جنبش جهاد اسلامی

در پی مواضع جمهوری اسلامی ایران در حمایت از جنبش‌های مقاومت در فلسطین، ایالات‌متحده، اسرائیل و کشورهای غربی اتهامات متعددی به ایران وارد کردند که عمده‌ترین آن‌ها حمایت از تروریسم، تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای و اختلال در روند سازش است.

امریکایی‌ها همواره و در مقاطع مختلف از مواضع ایران در حمایت از گروه‌های مقاومت فلسطینی انتقاد کرده از این گروه‌ها به‌عنوان گروه‌های تروریستی یاد می‌کنند درحالی‌که ایران از آن‌ها به‌عنوان گروه‌های مقاومت یاد کرده و صراحتاً اعلام کرده است که به مردم مظلوم فلسطین کمک خواهد کرد. (عبدالحی، ۲۰۱۰م: ۴۰۲)

شیمون پرز ایران را متهم به حمایت از جنبش جهاد اسلامی و حماس کرده و می‌گوید ایران با ارسال کاتیوشا تلاش‌ها برای سازش را با شکست مواجه می‌کند. (شهاب، ۲۰۰۸ م: ۱۶۹-۱۷۰)

مطابق دیدگاه اسرائیل، ایران مهم‌ترین تهدید نسبت به امنیت اسرائیل بوده و نگرانی عمده‌ای نسبت به دسترسی ایران به سلاح‌های هسته‌ای، موشک‌های بالستیک و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی ابراز می‌دارد. افزون بر این، این دیدگاه بر این باور است که در واقع ایران جنگ با اسرائیل را از طریق حزب‌الله لبنان آغاز کرده است. همچنین ایران به‌عنوان حامی جهاد اسلامی و حماس در سرزمین‌های اشغالی نگرانی فزاینده‌ای را در تل‌آویو به وجود آورده است. این دیدگاه همچنین ابراز می‌دارد که به سبب اینکه دیگر عراق نمی‌تواند بازدارنده قدرت ایران

باشد، اسرائیل باید این نقش را به‌ویژه در راستای منافع آمریکا در خاورمیانه ایفا نماید. (متقی، ۱۳۷۶: ۸۹)

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران پس از به ثمر نشستن، به داخل مرزهای کشور محدود نشد، بلکه جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان محور اصلی اسلام سیاسی در منطقه مطرح شد و بر این اساس به سوی تمامی ملل مستضعف جهان به‌ویژه ملت فلسطین دست یاری دراز کرد. رابطه جمهوری اسلامی ایران با جنبش‌های مقاومت اسلامی فلسطین و از جمله جنبش جهاد اسلامی، یک رابطه ساختاری است و جمهوری اسلامی ایران به همراه گروه‌های جهادی فلسطینی (که در رأس آن‌ها حماس و جهاد اسلامی قرار دارند) به تشکیل «محور مقاومت» یا «جبهه مقاومت» مبادرت ورزید. «گفتمان مقاومت» در جهان اسلام و به‌ویژه منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا در عرصه عملیاتی در قالب «محور مقاومت» بیش از هر زمانی، تجلی و گسترش روزافزون یافته به گفتمان غالب در بین مردم منطقه تبدیل شده است و از این رو گفتمان‌های دیگر با شکست‌های پی‌درپی، یکی پس از دیگری، صحنه زورآزمایی با این گفتمان را ترک یا واگذار می‌کنند. از سوی دیگر جنبش جهاد اسلامی هم به دلیل گفتمان مشترک با ایران اسلامی، واقعه تاریخی پیروزی انقلاب اسلامی ایران را غنیمت شمرد و آشکارا و بدون ابهام اعلام کرد که باید به انقلاب اسلامی ایران دست بیعت داد و برای تحقق آزادی فلسطین و برپایی حکومت اسلامی در آن، با ایران همراه شد. این جنبش موضع خود را به صراحت اعلام کرد و به سبیل تردیدها و تهمت‌هایی که به خاطر آن ممکن بود با آن مواجه شود، توجهی نکرد. رابطه جنبش با ایران نتیجه داد و پیروزی‌های بی‌سابقه‌ای در مقابله با صهیونیست‌ها برای به ارمغان آورد و برای جنبش اعتبار زیادی در نزد ملت فلسطین ایجاد کرد، به‌ویژه آنکه جنبش جهاد با هیچ‌یک از گروه‌ها و تشکل‌های فلسطینی غزه و کرانه‌های باختری درگیر نشده است و در پی رسیدن به حکومت نیست، بلکه می‌خواهد با ثبات و آرامش، توان خود را در برابر رژیم صهیونیستی افزایش دهد. در نبرد ۸ روزه نوامبر ۲۰۱۳ جهاد اسلامی به‌عنوان نخستین گروه فلسطینی با پرتاب موشک ایرانی با برد ۷۰ کیلومتر به سوی تل‌آویو، اغلب فلسطینیان را غافلگیر کرد. از سوی دیگر جنبش جهاد در نبردهای داخلی کشورهای عربی بحران‌زده از جمله سوریه، دخالت نکرد و قطب‌نمای جهادی خود را همواره فقط به سوی رژیم صهیونیستی نشانه رفت. این هدف واحد و ویژگی خاص جنبش جهاد است که موجب شد کسانی که می‌خواهند زندگی و جان خود را وقف مبارزه با رژیم صهیونیستی کنند، جذب آن شوند. با توجه به شروع بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ م و خروج رهبر جنبش جهاد اسلامی از دمشق و بسته شدن دفاتر آن، برخی اختلافات بین جهاد اسلامی و جمهوری اسلامی ایران بروز کرد که با روشن شدن ابعاد

بحران سوریه، بازگشت دبیر کل جهاد اسلامی به دمشق و بازگشایی دفاتر آن، روابط طرفین بهبود یافت. با توجه به خاستگاه جنبش جهاد اسلامی و طائفی شدن درگیری‌های منطقه (از جمله در بحران‌های سوریه، عراق، یمن و بحرین)، کشورهای عربی منطقه خصوصاً مصر و قطر به طرق مختلف تلاش کردند که جنبش جهاد اسلامی را از محور مقاومت جدا کنند که این امر باید مورد توجه دولت‌مردان نظام قرار گیرد. در این راستا باید تلاش شود که موضوع فلسطین به جایگاه اولیه خود به‌عنوان مهم‌ترین مسئله جهان اسلام برگردد و سایر موضوعات منطقه‌ای باعث نشود این موضوع از اهتمام ج.ا.ایران خارج شود و یا مساعدت‌های مستقیم و غیرمستقیم به جنبش جهاد اسلامی دستخوش تغییر شود. البته در خصوص آینده روابط طرفین به نظر می‌رسد گرچه ممکن است این روابط در مقاطعی بر اساس شرایط با جزر و مد روبه‌رو شود، اما با توجه به ریشه‌های منبعث از اسلام‌گرایی، نامشروع دانستن رژیم صهیونیستی در ادبیات و اندیشه جنبش جهاد اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، آینده روابط به دلایل مذکور و وجود تهدید مشترک، گسترده‌تر خواهد بود. البته تجربه ناموفق سایر گفتمان‌ها، غلبه گفتمان مقاومت و موفقیت عملی جبهه مقاومت در رویارویی با رژیم صهیونیستی نیز بیش از پیش این گمانه را تقویت می‌کند.

منابع الف - کتاب

۱. ابوعمر، زیاد، ۱۳۷۱، جنبش‌های اسلامی در فلسطین، ترجمه هادی صبا، تهران: نشر سفیر.
۲. اروینگ، میکال، ۱۳۹۱، ایدئولوژی سیاسی حماس، ترجمه رضا رستم‌زاده خسروشاهی، تهران: روایت فتح.
۳. ازغندی، علیرضا، ۱۳۷۶، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: قومس.
۴. السید، رضوان، ۱۳۸۳، اسلامی سیاسی در کشاکش هویت و تجدد، ترجمه مجید مرادی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۵. امرایی، حمزه، ۱۳۸۳، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۶. امیدوار، احمد؛ یکتا، حسین، ۱۳۷۹، امام خمینی و انقلاب اسلامی، روایتی جهانی، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، چاپ اول.
۷. بشیر، حسن، ۱۳۸۴، تحلیل گفتمان، دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۸. بهرامپور، شعبانعلی، ۱۳۷۸، درآمدی بر تحلیل گفتمان، کتاب مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی به اهتمام محمدرضا تاجیک، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.

۹. دکمبجیان، هریر، ۱۳۷۷، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ سوم.
۱۰. حاجی یوسفی، امیرمحمد، ۱۳۷۹، نظریه گفتمان، تهران: فرهنگ گفتمان.
۱۱. حاجی یوسفی، امیرمحمد، ۱۳۸۲، ایران و رژیم صهیونیستی از همکاری تا منازعه، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
۱۲. حشمت‌زاده، محمدباقر، ۱۳۸۵، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۳. خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۰، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی (س)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۴. _____، ۱۳۷۸، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، جلد: ۲ .
۱۵. _____، بی‌تا، قضیه فلسطین در کلام امام خمینی؛ دمشق: سفارت جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.
۱۶. رجبی، محمدحسن، ۱۹۹۳، زندگی سیاسی امام خمینی، بیروت: دارالروضه، چاپ نخست.
۱۷. سعید، بابی، ۱۳۷۹، هراس بنیادین، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. سلیمانی، محمدباقر، ۱۳۷۹، بازیگران روند صلح خاورمیانه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۹. سیداحمد، رفعت؛ الشبوکی، العمرو، ۱۳۸۷، آینده جنبش‌های اسلامی پس از ۱۱ سپتامبر، ترجمه میثم شیروانی، تهران: انتشارات امام صادق (ع)، چاپ اول.
۲۰. شقاقی، فتحی، ۱۳۸۲، السنه والشیعه ضجه مفتعله (شیعه و سنی غوغای ساختگی)، تهران: الهدی
۲۱. شقاقی، فتحی، ۱۳۷۵، جهاد اسلامی، امام خمینی، شیعه و سنی و مسأله فلسطین، تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۲. شلح، رمضان عبدالله، ۱۹۹۷، امام خمینی و ایران انقلابی نوگرا، در کتاب مجموعه مقالات کنگره انقلاب اسلامی و عملکرد فرهنگی امام خمینی، دمشق: سفارت جمهوری اسلامی ایران.
۲۳. عزالدین، فارس، ۲۰۰۴، معالم المعالم، فلسطین، رام‌الله: مرکز فرهنگی آفاق، چاپ اول.
۲۴. فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۸۱، انقلاب اسلامی و بازتاب آن، تهران: زلال کوثر.
۲۵. فرقانی، محمدمهدی، ۱۳۸۲، راه دراز گذار، تهران: فرهنگ و اندیشه.
۲۶. کاظمی کره‌رودی، حسین، ۱۳۸۱، حمایت از انتفاضه فلسطین چرا؟، قم: پیام دبیر.

۲۷. مجرد، محسن، ۱۳۸۶، تأثیرات انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۸. وفا، افسانه، ۱۳۸۳، یاسر عرفات از مبارزه تا مذاکره، تهران: روایت فتح.
۲۹. ولایتی، علی‌اکبر، ۱۹۹۷، ایران و فلسطین؛ جذورالعلاقه و تقلبات السیاسه، (ایران و فلسطین، ریشه‌های روابط و دگرگونی‌های سیاسی)، ترجمه به عربی: سالم مشکور، بیروت: دارالحق.
۳۰. هالتر، ماریک؛ لوران، اریک، ۱۹۹۴، مجانین السلام، بیروت: دارالطیعه.
۳۱. یورگسن، ماریان؛ فیلیپ، لوئیز، ۱۳۸۹، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشرنی.
۳۲. یوسف‌نژاد، ابراهیم، ۱۳۸۴، تحولات فلسطین و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

ب- مقالات

۳۳. انور، ابوطه، (۱۳۷۹)، «تأثیر امام خمینی رحمه‌الله و انقلاب اسلامی در اندیشه و عملکرد جنبش جهاد اسلامی»، ترجمه مهدی سرحدی، فصلنامه حضور، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ش ۳۳، صص ۸۰ - ۹۷.
۳۴. آقایی، سیدداود؛ رسولی، الهام، (۱۳۸۸)، «سازهانگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل»، فصلنامه سیاست، تهران: دانشگاه تهران، (۱) ۳۹، صص ۱ - ۱۶.
۳۵. _____، (۵۹/۶/۸)، تحلیلی بر کنفرانس بزرگداشت روز قدس، پیام انقلاب، ش ۱۴، ۵۹/۶/۸، تهران: نمایندگی ولی فقیه در سپاه
۳۶. _____، (۱۴۰۳)، امام در برابر صهیونیسم؛ گزیده‌هایی از سخنان امام خمینی پیرامون صهیونیسم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۷. سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، (۱۳۸۱)، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۳۸. سلیمی نوه، اصغر، (۱۳۸۳)، «گفتمان در اندیشه فوکو»، کیهان فرهنگی، تهران: موسسه کیهان، شماره ۲۱۹، صص ۵۰ - ۵۶.
۳۹. متقی، ابراهیم، (۱۳۷۶)، «تحلیل رفتار سیاسی اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست دفاعی، تهران: دانشگاه جامع امام حسین(ع)، شماره ۱۸، صص ۷۱ - ۹۸.

۴۰. مرشدی زاد، علی؛ غفاری، زاهد؛ (۱۳۸۶)، «اسلام‌هراسی در اروپا ریشه‌ها و عوامل»، فصلنامه دانش سیاسی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، س ۳، ش ۲، صص ۱۱۳-۱۳۹.

(ج) عربی

۴۱. ابراهیم، عزالدین، (۱۹۸۳)، «السنه و الشیعه ضجه مفتعله و مؤسفه» (سنی و شیعه، غوغای ساختگی و اسفبار)، مجله الطلیعه الإسلامیه، شماره صفر، سالن خست، دسامبر.

۴۲. احمد، حلیم، (۱۹۷۹)، «الثوره الإيرانيه و الصراع العربی-الإسرائیلی»، مجله شؤون فلسطینیة؛ (شماره ۸۸).

۴۳. البرغوثی، ایاد، (۱۹۹۰)، الاسلمه و السیاسه فی الاراضی الفلستینیة المحتله، قدس: مرکز فرهنگی الزهراء.

۴۴. توفیق، خالد (۱۴۲۳)؛ نظریه الجهاد عند الامام الخمینی، قراءه و تأملات - بخش اول؛ مجله الحیاه الطیبه، بیروت: جامعه المصطفی العالمیه، شماره ۱۰، صص ۱۷۷-۲۳۱.

۴۵. دراج، فیصل؛ باروت، جمال، (بی‌تا)، الاحزاب السیاسیه فی العالم العربی (احزاب سیاسی جهان عرب)، دمشق: مرکز العربی للدراسات الاستراتیجیه.

۴۶. زکی، شهاب، (۲۰۰۸)، حماس منال داخل، بیروت: الدارالعربیة للعلومنا شرون.

۴۷. ساره، فایز، (۱۹۸۹)، «الحركه الاسلامیه فی فلسطین: وحده الادیو سوجیا و انقسامات السیاسیه»، المستقبل العربی، (شماره ۱۲۴).

۴۸. سیداحمد، رفعت، (۲۰۰۶)، القصه الكامله لحزب الله و قائده (شرح حال کامل حزب الله و رهبر آن)؛ بیروت: دارالکتاب العربی.

۴۹. شقاقی، فتحی، با نام مستعار فتحی عبدالعزیز، (۱۹۷۹)، الخمینی الحل البديل (امام خمینی راه حل جدید)، قاهره: دارالمختار الاسلامی.

۵۰. عبدالحی، ولید، (۲۰۱۰)، ایران: مستقبل المکانه الإقلیمیة عام ۲۰۲۰، الجزائر: مرکز الدراسات التطبیقیة و الاستشراف.

۵۱. فحص، هانی، (۱۹۷۹)، «امام خمینی و فلسطین»، بیروت: مجله فلسطین المحتله.

۵۲. فراهانی، فاطمه امیرخانی، (بی‌تا)، فلسطین منمنظار قائد الثوره فی ایران، ترجمه: دکتر عبدالامیر عبدالزهره عناد الغزالی، ویرایش: رعد جباره.

۵۳. محمود، عزمی، (۱۹۷۹)، «النتائج الاستراتیجیه للثوره الإيرانيه»، مجله شئون فلسطینیة، القاهره، (عدد ۸۹).

۵۴. مصطفی، هاله، «التیار الإسلامی فی الارضا لمحتله»، مجله المستقبل العربی، مرکز پژوهش‌های الوحده العربیه، شماره ۱۱۲.

۵۵. مواقف القيادة الإيرانية تجاه الثورة والانتفاضة الفلسطينية، (مواضع رهبران ایران در قبال انقلاب و انتفاضة فلسطین)، (۲۰۰۱)، تهیه و تنظیم: دبیرخانه همایش جهانی حمایت از انتفاضة فلسطین، ناشر: مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.

د- پایان نامه

۵۶. صفری شالی، رضا، ۱۳۹۲، بررسی گفتمان عدالت اجتماعی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی، رساله دکتری رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

ه- اینترنتی

۵۷. وبگاه دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۹۵/۱/۱۵)، «پیام به حجاج بیت‌الله الحرام»: ۱۳۷۰/۳/۲۶. قابل دسترس در :

<http://library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/۱/۸۶۴۲۳>

۵۸. وبگاه دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۹۵/۱/۱۵)، «بیانات در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضة فلسطین»: ۱۳۸۰/۲/۴. قابل دسترس در :

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id۳۰۶۱>

۵۹. وبگاه دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۹۵/۱/۱۵)، «دیپلماسی ایرانی»، قابل دسترس در :

<http://farsi.khamenei.ir/photo-album?id=27633#222621>

۶۰. وبگاه دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۹۵/۱/۱۵)، « رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار

دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین»، قابل دسترس در :

<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=contentShow&id=12489>

۶۱. وبگاه شبکه الجزیره، (۱۳۹۵/۱/۱۵)، «برنامج لقاء الیوم»، قابل دسترس در :

<http://www.aljazeera.net/programs/pages/47c02444-9d95-43cf-bcb3-9b8b20d39e20>

۶۲. وبگاه شبکه العالم (۱۳۹۵/۱/۱۵)، « ایران: وضعنا تقنیة صواریخ فجر ۵ فی ایدی

المقاومة الفلسطينية»، قابل دسترس در : <http://www.alalam.ir/news/1399754>

۶۳. وبگاه شبکه العالم (۱۳۹۵/۱/۱۵)، «الجهاد: اعلان ایران اعطاء المقاومة تقنیة صواریخ

فجر خطوة شجاعة»، قابل دسترس در : <http://www.alalam.ir/news/1400134>

۶۴. وبگاه شبکه العالم (۱۳۹۵/۱/۱۵)، « محسن رضایی: موشکهای فلسطین از برکت ایران

است»، قابل دسترس در : <http://fa.alalam.ir/news/1619833>

۶۵. وبگاه شبکه العالم (۱۳۹۵/۱/۱۵)، «الجهاد الاسلامی: ایران وضعت صواریخ تحت

تصرف المقاومة»، قابل دسترس در : <http://www.alalam.ir/news/1397604>

۶۶. وبگاه شبکه العالم (۱۳۹۵/۱/۱۵)، « جهاد اسلامی: ایران، متشکریم!»، قابل دسترس

در:

<http://fa.alalam.ir/news/1611746>

۶۷. وبگاه شورای نگهبان (۱۳۹۵/۱/۱۵)، « قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران » قابل

دسترس در :

<http://www.shora-gc.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&ID=۳۴۶db۰f۴-۶۲۰۵-۵ec۰-a۱۱۹-f۱d۷d۰۷be۱۹۳&LayoutID=df۹۷d۰۳۱-b۸۱۹-۴۴۲۱-۴۵۱a-۵۰۱۲d۴۷۰۵۴۳۵&CategoryID=ff۰۶۶۸dd-۶۴۹c-۴d۵۳-a۹ba-۲۲ec۱caed۳be>

۶۸. وبگاه قوانین ، (۱۳۹۵/۱/۱۵) ، « قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین» ، قابل دسترس در :

<http://www.ghavanin.ir/detail.asp?id=7587>

۶۹. وبگاه نداء القدس ، (۱۳۹۵/۱/۱۵) ، « یعلون: امروز جهاد اسلامی بازوی قدرتمند ایران در فلسطین است» قابل دسترس در : <http://nedaalquds.com/persian/?p=10629>

ز- مصاحبه ها

- ۷۰- عبدالله ، رمضان الشلح ، (۲۰۰۳) ، مصاحبه با روزنامه الحیات ، ۲۰۰۳/۱/۱۰ ، لندن .
- ۷۱- شقاقی ، فتحی ، (۱۹۹۴) ، مصاحبه با خبرگزاری ایرنا ۱۹۹۴/۳/۱ ، تهران .
- ۷۲- شقاقی ، فتحی ، (۱۹۹۳) ، مصاحبه با روزنامه شیخان، ۱۹۹۳/۱۰/۲۳ ، عمان .
- ۷۳- فضل الله ، محمدحسین ، (۱۹۸۵) ، مصاحبه با مجله الیسارالعربی ، شماره ۷۱ ، پاریس .